

روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق یافته به منظور تحقیق در متن قرآن کریم؛ ارائه یک مطالعه موردی در علوم رفتاری*

□ علی عبدالهی نیسانی^۱

چکیده

روش تحلیل محتوای کیفی به صورت تخصصی به تحلیل محتوای متون می‌پردازد. قواعد و گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی عمومی بوده و برای انواع متون به صورت مشترک استفاده می‌شود. اما در متن قرآن کریم فرض می‌شود که تمامی ابعاد مطالب آن - از جزئی‌ترین عبارات و حروف گرفته تا کلیت عبارت‌ها و سوره‌ها - حاوی نکات و پیام‌هایی است که حکیمانه و آگاهانه در آن گنجانیده شده است و بنابراین در روش تحقیقی که به بررسی محتوای متن قرآن کریم می‌پردازد، بایستی الزاماتی گنجانیده شود که بتواند استفاده بیشتری از این نکات و پیام‌های قرآنی داشته باشد و علاوه بر آن ساختار علمی قابل قبولی برای محافل علمی ارائه نماید.

این نوشتار، گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی را مطابق با چنین اقتضائاتی بازتعریف نموده و آن‌ها را به صورت سه گام اصلی و گام‌های فرعی ذیل هر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۰.

۱. دکتری مدیریت دولتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (a.abdollahy@gmail.com).

کدام توسعه داده است.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوای کیفی، روش تحقیق موضوعی در قرآن، مدل‌های توصیفی رفتار انسان.

۱. مقدمه

این نوشتار یک الگوی جدید روشی در انجام پژوهش ارائه می‌نماید. به منظور آنکه الگوی روش تحقیقی ارائه‌شده در این نوشتار صرفاً ذهنی نبوده و بتواند به صورت ملموس‌تری قابلیت به کارگیری داشته باشد، یک موضوع پژوهشی که به همین روش انجام شده، به تناسب بحث و در لابه‌لای مطالب به عنوان مثال آورده شده است. موضوع پژوهشی که به عنوان نمونه در این نوشتار از آن استفاده خواهد شد، «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» هستند که به تبیین چگونگی رفتار انسان می‌پردازند و از لحاظ علمی - در علوم رفتاری - شاخص‌ها و ویژگی‌هایی معین داشته و قابل تعریف هستند. نوشتار حاضر سه قسمت عمده دارد:

در ابتدا نمایی خلاصه و اجمالی از موضوع پژوهشی مورد بررسی - یعنی مدل‌های توصیفی رفتار انسان در قرآن - ارائه می‌شود. البته در این نوشتار محتوا و نتایج علمی این موضوع پژوهشی محوریتی نداشته و در حد لزوم به آن‌ها پرداخته شده؛ زیرا که به آن به عنوان یک نمونه اجرایی از روش تحقیق نگریسته شده است.

در قسمت دوم، به ارائه روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن می‌پردازد. در ابتدا «ابعاد و مبانی روش شناختی»، روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن کریم توضیح داده می‌شود. در این بخش، با بررسی ماهیت و گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی توضیح داده می‌شود که چگونه این روش در انطباق با دقت‌های اجرایی «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» قابل پیاده‌سازی است.

در بخش بعدی، «گام‌های اجرایی روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن کریم» معرفی شده و همزمان با ذکر مثال‌هایی از موضوع پژوهشی مدل‌های توصیفی رفتار انسان، پیاده‌سازی می‌شوند.

۲. نمایی کلی از موضوع تحقیق

پژوهشی که به عنوان مطالعه موردی این نوشتار انتخاب شده، به دنبال شناسایی مدل‌های توصیفی رفتار انسان در قرآن است. این موضوع، از آن جایی قابل طرح می‌باشد که کمبود مدل‌های توصیفی از رفتار انسان یکی از چالش‌های قدیمی در ساحت علوم رفتاری بوده و از آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های علمی بشر تعبیر شده است. زیرا از یک سو، تقاضای شدیدی نسبت به استفاده از این مدل‌های رفتاری در علوم مختلف وجود دارد و از سوی دیگر ابعاد درونی انسان و شرایط محیطی مؤثر بر رفتار او به حدی پیچیده‌اند که مدل‌سازی رفتار او را دشوار می‌سازند.^۱ دلیل تقاضای گسترده در استفاده از «مدل‌های توصیفی رفتار انسان»، قابلیت این نوع مدل‌های رفتاری در توسعه فنون پیش‌بینی، هدایت و کنترل رفتار انسان می‌باشد. این موضوع پژوهشی به دنبال نمونه‌هایی جدید از مدل‌های توصیفی رفتار انسان برگرفته از منبع الهی قرآن کریم بوده است. قابل توجه است که از آنجایی که موضوع «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» از موضوعات پیچیده و مورد بحث دانشمندان علوم رفتاری (به خصوص در علوم مدیریت رفتاری و اقتصاد رفتاری) است و به نتیجه رسیدن پژوهش‌های علمی مبتنی بر این روش، نشان‌دهنده موفقیت نسبی این روش در پی‌گیری موضوعاتی علمی این چنین در متن قرآن کریم است به طوری که حتی ممکن است با دستاوردهای بدیعی مواجه شد.

۳. روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن کریم

این موضوع پژوهشی به دنبال آن است که به درک معانی محتوایی، آن هم در متن آیات قرآن کریم پردازد و در نتیجه بنا به ماهیت دوگانه خود نیازمند استفاده از رویکرد روش تحلیل محتوای کیفی و روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم می‌باشد. میان روش تحلیل محتوای کیفی و روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم تناسبات مبنایی و

۱. به منظور شناخت بیشتر نسبت اهمیت و پیچیدگی مدل نمودن رفتار انسان، ر.ک: رایبیز، ۱۳۷۴: ۲۴-۲۵؛ Griffin & Moorhead, 1986: 8; Hersey & Blanchard, 1977: 1-2; Nadler & Tushman, 1980; Robbins & Judge, 2013: 11, 15; Chandan, 2005: 13.

روشی وجود دارد؛ البته با این تفاوت که گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی - که یک روش معتبر و شناخته‌شده است - بر اساس تجربیات به دست آمده از تحلیل متون مختلف ایجاد شده‌اند و در مقابل روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم بر مبنای توصیه‌های دینی در چگونگی تدبر در متن - مشخص - قرآن کریم به همراه تجربیاتی که در این عرصه به دست آمده، شکل گرفته است. بنابراین می‌توان روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن کریم را به عنوان یک رویکرد خاص از روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی دانست که با دقت‌هایی ویژه و برای شرایطی مشخص، یعنی تحقیق موضوعی در متن قرآن کریم تنظیم شده است. در ادامه، ابتدا به روش تحلیل محتوای کیفی پرداخته شده و مشترکات مبنایی و فرآیندی آن با روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم توضیح داده می‌شود؛ سپس گام‌های اجرایی روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن، بیان می‌شوند.

الف) ابعاد و مبانی روش‌شناختی

روش تحلیل محتوای کیفی

«تحلیل محتوا» یک روش برای تحلیل پیام‌های متنی، شفاهی و یا تصویری و بیشتر برای تحلیل مستندات شناخته‌شده بوده و در اصل برای آن است که بتوان پدیده مورد مطالعه را به صورت نظام‌مند و در قالب چارچوب مفهومی یا مدل ارائه کرده و درک نمود. شیوع استقبال و استفاده از روش تحلیل محتوا مربوط به سال‌های اخیر است و تقریباً اکثر قریب به اتفاق استفاده از روش تحلیل محتوا در قرن ۲۱ بوده است.^۱ تحلیل محتوا به محقق این امکان را می‌دهد که در راستای فهم داده‌هایی که بررسی کرده، نظریه‌پردازی کند. همچنین تحلیل محتوا این امکان را می‌دهد که محقق عصاره کلمات را در قالب دسته‌های مفهومی نشان دهد. به وسیله تحلیل محتوا این امکان ایجاد می‌شود که با یک رویکرد معتبر علمی از میان داده‌ها و زمینه‌هایشان، دانش

۱. اِلُو و کینگاس بر اساس بررسی کلیدواژه‌ها برآورد کرده‌اند که تا سال ۲۰۰۸ در حدود ۷۰ درصد پژوهش‌های انجام‌شده با روش تحلیل محتوا مربوط به سال ۲۰۰۰ به بعد بوده‌اند و این درصد با گذشت زمان همچنان رو به افزایش است (Elo & Kyngäs, 2008).

جدیدی ایجاد شود و نگرش‌ها و حقایق جدیدی برای کاربردی‌سازی معلوم شود. به همین خاطر معمولاً خروجی تحلیل محتوا به صورت مدل، نظام مفهومی، دسته‌بندی مفهومی و مانند این‌ها ارائه می‌شود (Elo & Kyngäs, 2008). از امتیازات تحلیل محتوا نسبت به سایر روش‌های پژوهش در این است که تحلیل محتوا روشی اطمینان‌بخش است؛ چرا که داده‌های متن از قبل وجود داشته‌اند. بنابراین مانند سایر روش‌ها نیست که اطلاع آزمودنی از آزمون منجر به تحریف و یا خطای در پاسخ شود. تمایز دوم در وجود ظرفیت پذیرش مطالب فاقد ساختار است. به عبارت دیگر تحلیل محتوا مطالب فاقد ساختار را نیز تحلیل می‌کند؛ مثلاً بر خلاف پرسش‌نامه که دارای ساختار مشخصی برای تحلیل است، در تحلیل محتوا می‌توان از هر منبعی برای تحلیل سود برده و پژوهشگر قادر به پیش‌بینی تمام مقولات تحلیل و نحوه بیان آن‌ها قبل از گردآوری داده‌ها نیست. وجه تمایز بعدی این است که تحلیل محتوا به متن حساس است و از این رو قادر به پردازش شکل‌های نمادین نیز هست. سرانجام تحلیل محتوا این ظرفیت را دارد که حجم عظیمی از داده‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد (بیچرانلو حسن، ۱۳۹۰: ۸۸).

تحلیل محتوا از نظر ماهیت داده‌های در فراگرد تحلیل به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شود. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی محدودیت دارد، نمود پیدا می‌کند. در تحلیل محتوای کیفی از مهم‌ترین موضوعات، میزان تأکید بر محتوای پنهان و آشکار است و این دو به میزان و عمق برداشتی که از متن می‌شود، بستگی دارند. به همین دلیل محققان تحلیل محتوای کیفی را به منزله یک روش انعطاف‌پذیر «به خصوص برای داده‌های متنی» در نظر می‌گیرند. تحلیل محتوای کیفی به محقق اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به طور ذهنی، به روش علمی تفسیر کند و اعتبار نتایج را در یک فرایند کدبندی سیستماتیک تضمین می‌کند (ایمان، ۱۳۹۲: ۷۷).

به بیانی دیگر، «روش تحلیل محتوای کیفی» به دنبال تفسیر انتزاع‌شده از محتوای متن، در فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند کدگذاری و تشخیص الگوها و مفاهیم می‌باشد. یعنی روش تحلیل محتوای کیفی، یک روش تجربی کنترل‌شده در تحلیل متن با توجه به بستر متن است که قواعد و گام‌هایی دارد. روش تحلیل محتوای کیفی در واقع به دنبال درک اصل مطلب و معنا می‌باشد و به همین دلیل در مواردی چون انسان‌شناسی،

جامعه‌شناسی کیفی و روان‌شناسی به کار گرفته می‌شود تا معانی را از عمق کلمات بیرون کشیده و به صورت الگوهایی ارائه نماید (Zhang & Wildemuth, 2009). بنابراین از آن جهت که هر دو روش تحلیل محتوای کیفی و روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم به دنبال «درک معنا از متن» می‌باشند، اشتراک ماهوی دارند.

همچنین روش تحقیق موضوعی به صورتی ویژه توصیه‌هایی در چگونگی اجرای گام‌های روشی دارد که می‌توان این توصیه‌ها را ذیل گام‌های کلی‌تر روش تحلیل محتوای کیفی در نظر گرفت؛ مثلاً در موضوع پژوهشی حاضر، چگونگی کدبندی سیستماتیک مفاهیم به دست آمده از متن (که یکی از گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی است) بر اساس فرامین و توصیه‌های ذکر شده در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم انجام‌پذیر است. بنابراین معلوم می‌شود که روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، تناسب ماهوی و روشی با روش تحلیل محتوای کیفی دارد. در نگاهی کلی، رویکردهای مختلف تحلیل محتوا از سه مرحله اساسی تشکیل شده‌اند: آماده‌سازی، سازمان‌دهی، گزارش نهایی (Elo & Kyngäs, 2008). با نگاهی جزئی‌تر به روش تحلیل محتوای کیفی مراحل مشترک آن به صورت زیر نیز قابل تعریف هستند (Zhang & Wildemuth, 2009):

۱. درک کافی از موضوع، جمع‌بندی و مشخص نمودن پرسش‌هایی که باید با رجوع به متن به آن‌ها پاسخ داده شوند.

۲. انتخاب نمونه‌هایی از متن یا متون که باید مورد تحلیل قرار بگیرند.

۳. کدگذاری، دسته‌بندی کدها و انتزاع از آن‌ها در قالب مقوله‌ها و تم‌ها.

۴. تحلیل نتایج حاصل از کدگذاری.

۵. تعیین اعتبار و پایایی^۱.

دلیل دیگر تناسب محتوایی و روشی میان روش تحلیل محتوای کیفی و روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، توجه مشابه به مفاهیم کلیدی است؛ زیرا برخی مفاهیم در تحلیل محتوای کیفی بسیار کلیدی هستند. از آن جمله، «واحد تحلیل»^۲ است؛ و آن، قسمت‌هایی از متن می‌باشد که برای بررسی و تحلیل مورد بررسی تحلیلگر قرار

۱. در مورد گام‌های رایج در روش تحلیل محتوای کیفی ر.ک: ایمان، ۱۳۹۲: ۸۵.

2. Unit of analysis.

می‌گیرد. اندازه واحد تحلیل متن باید متناسب باشد - نه خیلی زیاد و نه خیلی کم - تا بتوان به خوبی از آن معنایی نمود و این اندازه بر قابلیت اطمینان پژوهش تأثیر دارد. در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، واحد تحلیل متن قرآن کریم، رکوعات قرآنی می‌باشند که آیاتی که ذیل هر رکوع قرآنی قرار می‌گیرند (به دلیل آنکه با همدیگر و به صورت دسته‌ای نازل شده‌اند) سیاق معنایی مشترکی دارند. همچنین از دیگر مفاهیم کلیدی در تحلیل محتوای کیفی «واحد معنا»^۱ می‌باشد. واحد معنا شامل کلمه، جمله یا عبارت‌ها و پاراگراف‌هایی هستند که با هم اشتراک و ارتباط معنایی داشته و به نوعی محور معنایی مشترک دارند. چنین چیزی در تحقیق موضوعی در قرآن کریم در کلیدواژه‌های تحقیق نمود پیدا می‌کند. کلیدواژه‌های تحقیق در عین اینکه از انواع کلمات با اشتقاق و حتی ریشه‌های لفظی مختلف تشکیل شده‌اند که ریشه‌های معنایی مشترکی نسبت به سؤال تحقیق دارند. در تحلیل محتوای کیفی قبل از آنکه واحدهای معنا کدگذاری و دسته‌بندی شوند، باید به صورت مفاهیمی برداشت شده از طریق ساده‌سازی،^۲ تلخیص،^۳ انتزاع^۴ و یا فشرده‌سازی^۵ منعکس شده باشند و پس از آن است که قابل کدگذاری می‌باشند. فعالیت‌هایی این چنین، در قالب گام‌های «مفهوم‌یابی» در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم ذکر شده‌اند (ایمان، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۸؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱). بنابراین لحاظ نمودن توصیه‌ها و فرامین روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم - که حساسیت بیشتری به جزئیات متن خود دارد - در هنگام اجرای گام‌های کلی روش تحلیل محتوای کیفی سطح تحلیل‌های محقق را در درک معنا عمیق‌تر و دقیق‌تر می‌کند؛ زیرا در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم حتی برای سؤالاتی که در مواجهه با متن برای محقق ایجاد می‌شود و همچنین مفاهیم مشکوکی که محقق به مقصود اصلی دست پیدا نکرده، ارزش قائل بوده و سفارش به مستندسازی آن‌ها به عنوان یک مفهوم مستقل می‌کند؛ در صورتی که چنین تأکیدی

1. Meaning unit.
2. Redaction.
3. Distillation.
4. Abstraction.
5. Codensation.

در روش تحلیل محتوای کیفی وجود ندارد (Graneheim & Lundman, 2004؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱).

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم یک روش گام‌به‌گام برای تحقیق در یک موضوع مشخص در قرآن کریم بوده و به دنبال اکتشاف می‌باشد. تا اینجا برخی محاسن این روش به صورت روشن شده است. اما به صورت مشخص‌تر به دلایل زیر، بهره‌برداری از گام‌های «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» بسیار مناسب می‌باشند:

۱. موضوعی و مسئله‌محور است. یعنی می‌توان یک سؤال یا موضوع مشخص را به وسیله آن در کل قرآن پیگیری کرد. به عبارتی دیگر این روش تحقیق، اختصاصاً برای تحقیق موضوعی ساخته شده و به نوعی محقق را به سمت دریافت معانی متناسب با موضوع تحقیق خود سوق می‌دهد.

۲. علمی و معتبر است. بدین صورت که: اولاً جمعی از متخصصان علوم قرآنی و زبان‌شناسی، این روش تحقیق را متناسب با نیازهای دانشگاهی تدوین کرده‌اند. سپس این روش تحقیق در طی حدود سه دهه مستمراً و در نمونه‌های متعدد مورد استفاده، ارزیابی و بازبینی قرار گرفته است.^۱ ثانیاً همان گونه که توضیح داده شد، ماهیت تحقیقی و گام‌های اجرایی آن با روش تحقیق علمی معتبر - روش تحقیق محتوای کیفی - قابل انطباق بوده و ذیل آن قابل تعریف می‌باشد. از این رو محسّنات و اعتبار بین‌المللی روش تحلیل محتوای کیفی به روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم قابل تسری است.

۳. تجویزی و گام‌به‌گام است. بدین صورت که در هر گام به صورت مشخص معین کرده که باید چه اقداماتی انجام داد. همچنین در این روش، شرایط احتمالی و مشکلات اقتضایی پیش روی محقق نیز پیش‌بینی و راه حل‌های لازم ارائه شده است؛ مثلاً روش پیدا کردن مرتبط‌ترین کلیدواژه‌های جستجوی موضوع در صورت پیدا نکردن کلیدواژه مستقیم و یا چگونگی توسعه دامنه تحقیق در صورت لزوم، از جمله این

۱. بر پایه این روش تا کنون بیش از صد پایان‌نامه و رساله دکتری و صدها تحقیق درسی بر اساس آن در دانشگاه‌های کشور صورت گرفته و کارگاه‌های متعددی در مراکز مختلف علمی برگزار شده است.

توصیه‌های تجویزی در شرایط اقتضایی است. به عبارتی دیگر، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم بر خلاف دیگر روش‌های هم‌سنخ خود در تحقیق در قرآن، علاوه بر اینکه به صورت مستند ارائه شده، از سامان درونی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

۴. ریشه در منابع دینی دارد. یعنی شاکله و محتوای آن بر اساس مبانی و گزاره‌های دینی (آیات، روایات و سیره و سنت اهل بیت علیهم‌السلام در رجوع به قرآن کریم) ایجاد شده است؛ برای نمونه، از جمله توصیه‌های این روش تحقیق که ریشه در آموزه‌های دینی دارد، شروع تحقیق از انتهای قرآن، توجه به رکوعات، تأکید بر قرائت قرآن به جای مطالعه صامت آن و همچنین ثبت تمامی یادداشت‌ها و خطورات ذهنی در رابطه با موضوع می‌باشد.

۵. بر شرایط مناسب محقق به عنوان جزئی از پژوهش تأکید دارد. در تحقیقات کیفی، به خصوص تحقیقاتی که به معنا و تفسیر ذهنی محقق توجه دارند و به او به عنوان یک کنشگر فعال (بر خلاف کنشگر منفعل در پارادایم اثبات‌گرایی^۱ و مانند آن) می‌نگرند، آشنایی، اشراف و انس محقق با روش تحقیق و مبانی آن بسیار مورد توجه است. به عبارتی دیگر، در این نوع روش‌ها احساسات و شناخت محقق تأثیر بسزایی در میزان اعتبار نتایج تحقیق می‌گذارد. روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی نیز از این ویژگی برخوردار است. در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، درک صحیح و عمیق محقق از موضوعی که می‌خواهد در قرآن تدبیر نماید، بسیار موضوعیت دارد و برای آن تمهیداتی اندیشیده است. همچنین هم‌نوایی و انس محقق با متن قرآن کریم از مهم‌ترین محورهایی است که در گام‌های روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم برای آن تدابیر و توصیه‌هایی دارد. به عبارتی دیگر این روش تحقیق، از شرایط دریافت علمی معتبر از متن قرآن کریم را درونی‌سازی و انس زیاد محقق با آیات می‌داند.

در بالا مراحل کلی مشترک روش تحلیل محتوای کیفی بیان شد. بر اساس «مراحل کلی مشترک روش تحلیل محتوای کیفی» و «گام‌ها و توصیه‌های اجرایی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، «گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن»

به صورت جدول ۱ توسعه داده شده‌اند. گام‌های اصلی روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن کریم شامل «آماده‌سازی و ورود به تحقیق»، «مفهوم‌یابی» و «ارزیابی و بازنگری، نتیجه‌گیری» می‌باشند که در ذیل هر کدام از آن‌ها گام‌هایی فرعی تعریف شده‌اند. چگونگی تناسب مراحل روش تحلیل محتوای کیفی و گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن در جدول ۱ قابل مشاهده است.

گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن		مراحل مشترک روش تحلیل محتوای کیفی
گام‌های اصلی	گام‌های فرعی	
۱. آماده‌سازی و ورود به تحقیق	- شناخت موضوع تحقیق - انتخاب کلیدواژه پژوهش - تدارک فهرست آیات اصلی و سیاق - آمار و ارقام مربوط به کلیدواژه موضوع پژوهش	۱. درک کافی از موضوع، جمع‌بندی و مشخص نمودن پرسش‌هایی که باید با رجوع به متن به آن‌ها پاسخ داده شوند. ۲. انتخاب نمونه‌هایی از متن یا متون که باید مورد تحلیل قرار بگیرند.
۲. مفهوم‌یابی از آیات و ثبوت مفاهیم	- تهیه کاربرگ‌های بررسی و تحلیل تلاوت مکرر آیه - بررسی مفاهیم درونی آیه - بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن	۳. کدگذاری، دسته‌بندی کدها و انتزاع از آن‌ها در قالب مقوله‌ها و تم‌ها. ۴. تحلیل نتایج حاصل از کدگذاری.
۳. ارزیابی و بازنگری، نتیجه‌گیری	- بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده - مراجعه به متون تفسیری - کدگذاری، انتزاعی‌سازی کدها و سازمان‌دهی مفاهیم - بررسی قابلیت اطمینان پژوهش	۳. کدگذاری، دسته‌بندی کدها و انتزاع از آن‌ها در قالب مقوله‌ها و تم‌ها. ۴. تحلیل نتایج حاصل از کدگذاری. ۵. تعیین اعتبار و پایایی

جدول ۱: نگاهی تطبیقی به گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن

همان گونه که مشاهده می‌شود، تمامی مراحل روش تحلیل محتوای کیفی در گام‌های اصلی و فرعی روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن لحاظ شده‌اند. با این لحاظ که این مراحل به صورت تخصصی متن قرآن کریم بازتعریف شده‌اند. در همین راستا، برخی مراحل (مراحل ۳ و ۴) بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند و گام‌هایی اختصاصی برای تحقق این موضوع افزوده شده‌اند.

ب) گام‌های اجرای روش تحلیل محتوای کیفی

در اینجا چگونگی اجرای این گام‌های اصلی و گام‌های فرعی ذیل آن‌ها در طی بررسی موضوع مدل‌های توصیفی رفتار انسان در قرآن توضیح داده می‌شود. یعنی با فرض اینکه موضوع مشخص «شناسایی مدل‌های توصیفی رفتار انسان در قرآن» براساس این روش انجام شده است، گام‌های اصلی و فرعی روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن توضیح داده شده، توصیه‌ها و الزامات اجرایی بیان شده و مثال زده می‌شود.

اول: آماده‌سازی و ورود به تحقیق

۱-۱. شناخت موضوع تحقیق

قبل از شروع پژوهش و به وسیله پیش تحقیق‌هایی، سعی می‌شود که شناخت علمی کافی نسبت به موضوع پژوهش ایجاد شده و مشخص گردد که این پژوهش دقیقاً در پی چه چیزی می‌باشد. بنابراین تأکید می‌شود که باید پیش از پژوهش، ابهامات موجود در مورد موضوع پژوهش به حد اقل برسد و هر چه دانش بیشتری نسبت به یک موضوع وجود داشته باشد، امکان بهره‌برداری بیشتری از قرآن وجود خواهد داشت. قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد و بیان می‌کند که مخاطبانی که می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند که نسبت به آن موضوع دانش داشته باشند: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (روم/۲۲)؛ ﴿وَمَا يَعْزِلُهَا إِلَّا الْعَالُونَ﴾ (عنکبوت/۴۳)؛ ﴿كِتَابٌ فَضَّلْتَ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (فصلت/۳). بر این اساس، موفقیت تحقیق موضوعی در قرآن به میزان شناختی که محقق از موضوع تحقیق دارد، بستگی دارد. به صورت مشخص، محقق بایستی موضوع تحقیق را بشناسد و دست کم با یک یا چند بُعد از ابعاد مختلف آن آشنا باشد. کسی که می‌خواهد موضوعی را از دیدگاه قرآن کریم تحقیق کند، نخست باید تعریفی از آن موضوع برای خود داشته باشد و رده موضوعی آن را تعیین کند و به اصطلاح، با جنس و فصل آن آشنا باشد.

مثلاً برای تحقق مناسب این مرحله، دو پیش تحقیق مجزا و مفصل یکی در «شناخت مدل توصیفی رفتار انسان» در نگاه محافل علمی و دیگری در «شناخت دغدغه‌ها و رویکرد کلی قرآن نسبت به انسان» انجام می‌شود. در موضوع پژوهشی حاضر،

مدل توصیفی رفتار انسان در یک دوره تحقیقاتی مفصل در کتابخانه‌ها، مراکز دانشگاهی و پژوهشی خارج و داخل کشور مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه تعریف آن مشخص شده و مجموعه شاخص‌های مفهومی به صورت نظام‌مند احصاء گردیده و به صورت مدلی مفهومی (با عنوان نوع ایده‌آل مدل‌های توصیفی رفتار انسان) ارائه شده است. همچنین در پیش‌تحقیق دوم، تمامی گام‌های این روش تحقیق برای درک دغدغه‌ها و رویکرد کلی قرآن نسبت به انسان طی شد. از نتایج مهم به دست آمده این بود که رویکرد قرآن کریم به انسان، رویکردی اجمالی - که شامل مجموعه‌ای از توصیفات کلی باشد - نیست؛ بلکه قرآن کریم «موضوع انسان را تحلیل کرده است». همچنین بدین وسیله کلیدواژه‌های مناسب پژوهش اصلی در ورود به متن قرآن کریم مشخص شد.

۲-۱. انتخاب کلیدواژه پژوهش

در روش تحلیل محتوای کیفی به اهمیت «واحد معنا» و شناسایی آن برای رجوع به متن اشاره شد. از اساسی‌ترین و ظریف‌ترین مراحل، شناسایی کلیدواژه‌های ورود به قرآن کریم است. یعنی برای آنکه هر موضوعی در متن قرآن کریم بتواند مورد تحلیل قرار بگیرد، باید کلیدواژه‌های مناسب آن برای شناسایی آیات مرتبط و ورود به فضای قرآن کریم انتخاب شود. به عبارتی دیگر، انتخاب کلیدواژه نامربوط، منجر به کاهش قابلیت اطمینان پژوهش می‌شود. در پیش‌تحقیقی که پیش از پژوهش اصلی انجام شد، دو نکته مهم و راهگشا در مورد انتخاب کلیدواژه مشخص شد: اول آنکه در قرآن کریم به «مفهوم مدل توصیفی رفتار انسان» توجه شده و حتی ذیل عبارت «كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء/ ۸۴) به آن تصریح می‌کند. این عبارت قرآنی در ادامه آیه قبلی که یک مدل رفتار انسان را بیان می‌کرده، ذکر شده و بنابراین بیان می‌کند که تمامی انسان‌ها بدون استثنا (كُلُّ) از مدل‌هایی رفتاری برخوردارند (يعمل على شاکلته) و بر مبنای آن رفتار می‌کنند. اما این پژوهش به دنبال بررسی «کلیت مفهوم مدل توصیفی رفتار انسان از منظر قرآن کریم» نبوده و می‌خواهد «مصادیق مدل‌های توصیفی رفتار انسان از بیانات قرآن کریم اکتشاف شوند». بنابراین کلمه «شاکله» کلیدواژه اصلی این تحقیق نمی‌باشد، ولی راهنمای خوبی برای یافتن کلیدواژه‌ها به حساب می‌آید. دوم آنکه در

پیش‌تحقیق دیگری که به بررسی مفهوم علمی مدل‌های توصیفی رفتار انسان می‌پردازد، مشخص شد که این مدل‌های رفتاری بنا به ماهیت خود، زمینه‌های مناسبی را برای تحلیل رفتار انسان فراهم می‌کنند. یعنی مدل‌های رفتاری انسان وسیله مناسبی برای تحلیل رفتار انسان هستند و در همین راستا مشاهده شد در جاهایی از قرآن کریم که بحث «انسان» مطرح شده است، یا موضوع انسان صغرای یک استدلال و نتیجه‌گیری بوده و یا کبرای آن. از سویی دیگر، کلمه «شاکلة» (که در بالا به آن اشاره شد) نیز در فضای آیات بحث از «انسان» مطرح شده است. به علاوه، در پیش‌تحقیق مشخص شده بود که قرآن کریم هنگام تحلیل انسان در ذیل کلیدواژه «انسان» مصادیق متعددی از مدل‌های توصیفی رفتار انسان را نیز بیان کرده است. به این دلایل، کلمه «انسان» به عنوان کلیدواژه اصلی پژوهش حاضر به منظور شناسایی و رجوع به آیاتی از قرآن که به تحلیل رفتار انسان می‌پردازند، انتخاب شد. در قرآن کریم ۶۵ مرتبه این کلیدواژه (انسان) به کار رفته است که در ۶۴ مرتبه، به صورت «الإنسان» (ال جنس + انسان) آمده و یک مرتبه نیز به صورت «کُلُّ إنسان» ذکر شده است. هر دو مورد «الإنسان» و «کُلُّ إنسان» به عموم انسان‌ها اشاره دارند.

۳-۱. تدارک فهرست آیات اصلی و سیاق

در این مرحله، فهرست آیات اصلی حاوی کلیدواژه و آیات فرعی اطراف آیات اصلی (شناخته شده با عنوان «سیاق») به صورت جدول ۲ تنظیم می‌شوند. یعنی در این روش تحقیق، علاوه بر توجه بر آیه اصلی حاوی کلیدواژه «انسان»، به آیات فرعی که آیات قبلی و بعدی آیه اصلی می‌باشند، نیز توجه می‌شود که محدوده آن‌ها در ستون «شماره آیات ابتدا و انتهای سیاق» مشخص شده‌اند. در این فهرست، محدوده سیاق و نیز تعداد آیات هر سیاق مشخص می‌شوند. در رابطه با مفهوم سیاق (رکوع) باید گفت که قرآن کریم بر حسب تعلیم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ۵۵۵ واحد موضوعی تقسیم می‌شود. این تقسیم اعجاز‌آمیز، از قدیم‌الایام به «رکوعات قرآنی» مشهور بوده است. این رکوعات قرآنی که هر کدام یک واحد موضوعی هستند، حداقل محدوده سیاق آیات را مشخص می‌کنند و ما را با روند بیان مطلب آشنا می‌سازند.

شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه
شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه	شماره آیه
۱۶-۱	۴۳	زخرف	۱۵	۳۳	۳-۱	۱۰۳	عصر	۲	۱
۵۳-۴۴	۴۲	شوری	۴۸	۳۴	۱۱-۱	۱۰۰	عادیات	۶	۲
...					
۷۴۷	مجموع آیات سیاق‌ها								

جدول ۲: فهرست آیات اصلی و سیاق پژوهش

در جدول ۲ مشاهده می‌شود که به رکوعات، یک «شماره ردیف» اختصاص پیدا کرده که به نوعی کد شناسایی آن رکوع می‌باشد. در این فهرست، آیات به ترتیب شماره سوره‌هایشان از آخر به اول قرآن مرتب شده‌اند. همچنین در مواردی که دو یا چند آیه در یک سوره قرار دارند، آن‌ها نیز به ترتیب، آخر به اول سوره مرتب شده‌اند؛ زیرا در این صورت، سیر تحلیل متن از آیات نسبتاً ساده، کوتاه‌تر و مختصرتر و از آیات و سوره‌های نسبتاً مکی آغاز شده و به تدریج، به سوی آیات بلندتر و بیان‌های مفصل‌تر و آیات و سوره‌های نسبتاً مدنی خواهد بود و به این صورت، پژوهش از نظم و ترتیب آسمانی بیان مطلب، بهتر و بیشتر بهره‌مند خواهد شد.

۴-۱. آمار و ارقام مربوط به کلیدواژه موضوع پژوهش

هنگام تحلیل محتوای قرآن کریم به ابعادی که نشان‌دهنده وجود نظم یا نظامی در کلیت متن قرآن کریم می‌باشد - مانند آمارهای خاص - بایستی توجه نمود. اهمیت بیان چنین آمارهایی، نظم یا نظامی در آن است که توجه به آن‌ها ممکن است فتح بایی برای دیگر استفاده‌ها و برداشت‌ها از قرآن کریم بشود.

به عنوان مثال در موضوع پژوهشی حاضر، در جدول ۲ نشان داده شد که تعداد ۶۵ کلیدواژه انسان در ۶۳ ردیف پژوهشی جای گرفته‌اند. همچنین در این جدول نشان داده شد که مجموعه آیات اصلی و فرعی که این پژوهش لازم است آن‌ها را بررسی کند، ۷۴۷ آیه می‌باشد. بر این اساس اگر آیه ردیف ۵۵ - که در یک مورد استثنایی حاوی کلمه «انسان» به جای «الإنسان» است - در نظر گرفته نشود، در جدول ۲

مشاهده می‌شود که سوره ق که ابتدای حزب مفصل است، در ردیف وسط (ردیف ۳۱) قرار می‌گیرد که ۳۰ ردیف قبل از آن و ۳۰ ردیف بعد از آن است. همچنین جالب توجه است که تعداد سوره‌هایی که به تحلیل انسان پرداخته‌اند، ۴۴ مورد بوده‌اند و تمامی ۴ سوره دارای سجده واجب و ۷ سوره از میان سوره‌هایی که سجده مستحب دارند، جزء دامنه این ۴۴ سوره قرار گرفته‌اند. به علاوه، ۴ سوره از سوره‌هایی که در آیات خود سجده مستحب دارند، در دامنه سوره‌های این پژوهش قرار نگرفته‌اند. جالب توجه است که عددهای تکرار شده ۴ و ۷ در آمار فوق، در مجموع آیات سیاق‌ها که ۷۴۷ می‌باشد، نیز منعکس شده‌اند و جالب اینکه تعداد مدل‌های رفتاری انسان که این تحقیق در نهایت از متن آیات قرآن کریم استخراج نموده، ۷ عدد می‌باشد. سوره‌های دارای سجده واجب و مستحب در جدول ۳ با رنگ متفاوت مشخص و شماره گذاری شده‌اند.

سوره‌های حاوی سجده واجب در قرآن که در دامنه این پژوهش قرار گرفته‌اند	
سجده (۳۲) / ۱۵	۱
فصلت (۴۱) / ۳۷	۲
نجم (۵۳) / ۶۲ (آیه آخر)	۳
علق (۹۶) / ۱۹ (آیه آخر)	۴
سوره‌های حاوی سجده مستحب در قرآن که در دامنه این پژوهش قرار گرفته‌اند	
اعراف (۷) / ۲۰۶ (آیه آخر)	
رعد (۱۳) / ۱۵	
نحل (۱۶) / ۴۹	۱
اسراء (۱۷) / ۱۰۷	۲
مریم (۱۹) / ۵۸	۳
حج (۲۲) / ۱۸	۴
حج (۲۲) / ۷۷	۵
فرقان (۲۵) / ۶۰	۶
نمل (۲۷) / ۲۵	
ص (۳۸) / ۲۴	
انشقاق (۸۴) / ۲۱	۷

جدول ۳: سوره‌های سجده‌دار در دامنه پژوهش

دوم: مفهوم‌یابی از آیات و ثبت مفاهیم

در دو گام اصلی ۲ و ۳ از روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن، آیات به صورتی نظام‌مند مستند و دسته‌بندی شده و همچنین نکات به دست آمده از آن‌ها سازمان‌دهی می‌شوند. بنابراین در ابتدا توضیحات لازم مربوط به چگونگی اجرای هر گام ارائه شده و در نهایت در جدول ۴ نمونه‌ای عینی از این توضیحات اجرا شده را ارائه می‌کند.

۱-۲. تهیه کاربرگ‌های بررسی و تحلیل

در اولین گام، متن کامل هر آیه اصلی با ذکر شماره ردیف و نشانی دقیق آن، بالای یک صفحه جداگانه درج می‌شود. در این مرحله، ترجمه آیه، نه از خود محقق و نه از روی کتاب یا نوشته و یا از قول دیگران نوشته نمی‌شود؛ چرا که مانع مفهوم‌گیری مستقیم و مطمئن از آیات قرآن می‌گردد. در عین حال، مراجعه گذری به ترجمه‌های قرآن و کتاب‌های لغت و مفردات و بازگشت به نص آیه اشکالی ندارد.

۲-۲. تلاوت مکرر آیه

پس از تنظیم کاربرگ‌ها و نگارش متن کامل آیه اصلی و پیش از بررسی مفاهیم آن، چند بار آیات اصلی قرائت و تلاوت می‌شوند. قرائت قرآن، زمینه‌ساز تدبر در آن است؛ زیرا هدف از قرائت، استماع است و استماع آیات، مسیر تدبر در آن‌هاست. بنابراین محقق به هر میزان که تدبر و تفکر خود را با تلاوت آیات توأم کند، موفق‌تر خواهد بود. باید توجه داشت که این تحقیق به هر حال، تحقیق در «قرآن» است، بنابراین نباید قرآن بودن قرآن و ماهیت قرائتی آن فراموش شود با این تصور که متن قرآن کریم همچون متن سایر کتاب‌ها می‌باشد و صرفاً با مطالعه به روش مرسوم کفایت می‌کند. به هنگام تلاوت توجه بشود که یکایک حروف و کلمات آیات، شمرده شمرده، رسا و با تأنی و ترجیحاً به صورت زمزمه ادا گردد؛ به گونه‌ای که محقق صدای خود را به خوبی بشنود تا زمینه برای ظهور و بروز اشارات و لطایف آیات بیشتر فراهم گردد.

۳-۲. بررسی مفاهیم آیه

پس از نگارش متن کامل آیه و تلاوت مکرر آن، بررسی مفاهیم آن و دقت در

عبارات و فرازهای آیه در راستای موضوع تحقیق آغاز می‌شود. در این گام، مفاهیم، اشارات، پیام‌ها و نکاتی که از بیان آیه دریافت می‌شدند، به صورت تفکیک‌شده و با ذکر شماره، ذیل متن آیه یادداشت می‌گردند. همچنین ضمن بیان هر مفهوم در پایان آن، به کلمه یا عبارتی از متن آیه که ما را به آن مفهوم هدایت کرده، اشاره می‌شود. در این مرحله، باید تمام دقت و توجه روی آیه اصلی متمرکز شده و به آیات قبل و بعد آن فکر نشود.

در طی بررسی موضوع این پژوهش، برخی دیگر نکات روشی که مورد دقت قرار گرفتند، به این صورت بودند:

- در بررسی آیه اصلی به ویژه در مواردی که آیه اصلی تحقیق نسبتاً طولانی بوده، مفهومیابی را از کلمه موضوع آغاز کرده و سپس فرازهای بعد از آن مورد دقت قرار گرفته‌اند و پس از رسیدن به آخر آیه، بازگشته و فراز یا فرازهای قبل از کلمه موضوع بررسی شدند.

- در طی تحقیق، مراجعه به کتب لغت یا تفاسیر به تناسب انجام شد؛ با این حال، تمامی برداشت‌های خود محقق در اولویت یادداشت و توجه بودند و در مواردی که گاهی از ترجمه یا تفسیری نقل قول شد، مأخذ دقیق آن‌ها مشخص شده‌اند تا با مفاهیمی که از طریق تدبر شخصی محقق بوده‌اند، درنیامیزند.

- سعی شد که به فهم یک عبارت یا یک قسمت از آیه اکتفا نشود و حتی اگر به ظاهر به نظر می‌رسید که مطالب دیگری که در آیه مطرح است و ارتباطی به موضوع تحقیق ندارد، در صورت امکان طی شماره‌های جداگانه، مورد سؤال و مفهومیابی قرار داده شده و یادداشت شدند.

- در مفهومیابی آیات، از روحیه «تکاثر» اجتناب شد به این صورت که در ارتباط با آیه‌ای اگر هیچ مفهومی به ذهن محقق خطور نمی‌کرد، سعی شد که تکلفی برای ارائه انبوه مفاهیم ایجاد نشود. همچنین هر گاه به میزان متعارف و به قدر کفایت مفهومیابی می‌شد، به ردیف‌های دیگر پرداخته شد.

- اولویت اصلی در مسیر تحقیق و تدبر در آیات آن بود که بدون هیچ گونه غرض خاصی و خالصانه به سراغ قرآن رفته و با تدبر، از متن قرآن نکته برداشته و بهره‌برداری

شود. در همین راستا، با اضافه کردن علامت تعجب (!) در ابتدای مفاهیمی که اطمینان به صحت آن‌ها نبود، علامت گذاری و مشخص شدند.

- ضمن بررسی و دقت در مفاهیم آیه، هر گاه سؤال یا سؤالاتی در رابطه با آیه، یکایک اجزای آن و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و ارتباط همه آن‌ها با موضوع تحقیق و موارد بسیار دیگر به نظر می‌رسید، هر سؤال با یک شماره جداگانه در ردیف مفاهیم یادداشت می‌شد. در این روش، ارزش سؤال‌ها، کمتر از مفاهیم نبوده و سؤال در واقع، خود یک مفهوم محسوب شده است.

- هر سؤال هر جا که مطرح شد، همان‌جا یادداشت می‌شد و سعی شد که در روند یادداشت‌شده مفاهیم قبلی دستکاری نشود.

- در مسیر تحقیق در صورت دریافت پاسخ یکی از سؤال‌های قبلی، همان‌جا پاسخ سؤال با اشاره به شماره و نشانی سؤال یادداشت شد.

۴-۲. بررسی مفاهیم آیه اصلی در سیاق آن

برای اینکه بتوان از آیه اصلی (آیه‌های دربردارنده کلیدواژه «انسان»)، مفاهیم پربارتتری دریافت شود، آیات قبل و بعد از آیه مورد نظر نیز مفهوم‌یابی می‌شوند و -به اصطلاح- آیه‌ها در «سیاق» خود بررسی شدند. ابتدا یکایک آیات بعد از آیه اصلی و سپس یک به یک آیات قبل از آیه اصلی بررسی شده و نکات توضیحی و تکمیلی آن‌ها و همچنین سؤال‌های مربوط به آن‌ها ذیل مفاهیم و سؤالات آیه اصلی یادداشت می‌شوند. شماره‌ای که به این مفاهیم و سؤالات مربوط به سیاق هر آیه اصلی داده می‌شود، دنباله شماره‌هایی است که به مفاهیم و سؤالات مربوط به خود آن آیه داده شده بود.

نکات روشی مهم دیگری که مورد توجه قرار گرفتند، به این شرح است:

- بررسی آیه در سیاق آن، مبتنی بر این اصل پذیرفته شده است که آیات هر سیاق با یکدیگر پیوسته و در ارتباط‌اند و همه آن‌ها به دور یک محور می‌چرخند. آیه اصلی، محور و مرکز سیاق به شمار می‌آید. بنابراین برای اینکه مفهوم آیه اصلی بهتر ادراک شود، آن آیه در سیاق خود بررسی شده است.

- واحدهای تحلیل (رکوعات قرآنی) مهم‌ترین معیار تشخیص محدوده سیاق آیات بودند. با این حال، گاهی از محدوده رکوعات نیز تجاوز کرده و به میزان لازم، آیات قبل و بعد از آیه اصلی بررسی شدند. مثلاً کل سوره اسراء - فراتر از رکوعات آن - چون که از بیشترین سوره‌هایی بود که متمرکز بر تحلیل رفتار انسان بود، مورد دقت و استناد قرار گرفت.

- به تمامی عبارات، کلمات و ترکیباتی که نکات و مفاهیم از آن‌ها برگرفته شده، اشاره شده تا پیوستگی مطلب حفظ گشته و مأخذ مفاهیم مشخص باشد؛ یعنی معلوم باشد کدام کلمات، عبارات، آیه و یا آیات، خاستگاه مفهوم مورد نظرند.

- سعی شد که هنگام بررسی آیات بعد و یا قبل از آیه اصلی، با درج عبارت «مفاهیم آیات بعدی» و یا «مفاهیم آیات قبلی»، نکات مربوط به هر کدام از یکدیگر تفکیک شوند.

سوم: ارزیابی، بازنگری، نتیجه‌گیری

۱-۳. بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده

وقتی آخرین آیه اصلی و سیاق آن بررسی شدند، در واقع مرحله مفهوم‌یابی تمام شده است. در این مرحله در حدود ۷ مرتبه دیگر از آیات اولین ردیف تا انتها مورد بازنگری و مرور سراسری قرار گرفته‌اند. در فرایند این بازنگری‌ها، توجه به نکات زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند:

الف) اضافه کردن مفاهیم تازه: اگر -احیاناً- حین بازنگری در مفاهیم یک ردیف، مفهوم جدیدی به نظر می‌رسید، در پایان مفاهیم همان ردیف یادداشت می‌شد.

ب) تکمیل مفاهیم ناقص: اگر برخی از مفاهیم ناقص بودند، با افزودن تکمله‌ای نقص آن‌ها را برطرف می‌شد.

ج) بازنگری در علایم نوشتاری: در مفاهیمی که به صحت آن‌ها یقین نبود، علامت تعجب (!) کدگذاری شد. همچنین در پایان مفاهیمی که به صحت آن‌ها یقین وجود داشت، نقطه (.) و در پایان سؤالات، علامت سؤال (?) گذاشته شد.

د) تفکیک مفاهیم درست از نادرست: در بازنگری سراسری، مفاهیمی که نادرستی

آن‌ها احراز شده بودند، با یک علامت مشخص از مفاهیم دیگر متمایز شدند. (ه) ارجاع مفاهیم مختلف به یکدیگر: در جریان بازنگری، اگر مفهومی در ارتباط با مفهوم دیگر دیده شد، یعنی یکی از آن‌ها تکمله، تبصره، توضیح، پرسش، پاسخ و یا زیرمجموعه دیگری بود و یا - به طور کلی - از هر جهت میان آن دو رابطه قابل ملاحظه‌ای وجود داشت، آن دو به همدیگر ارجاع داده شدند؛ مثلاً در تجزیه و تحلیل موضوع پژوهشی حاضر در حدود ۲۱۵۰ مرتبه ارجاع بین نکات و مفاهیم انجام شده است. چنین اهمیتی در ارجاع متقابل مفاهیم، تحقیق را به هم پیوسته و یکپارچه می‌نماید.

۳-۲. مراجعه به متون تفسیری

پس از پایان کار مفهوم‌یابی از آیات، مراجعه به متون تفسیری و علمی انجام شد؛ زیرا با مراجعه به تفاسیر و مقایسه آن‌ها با یافته‌های پژوهش، از یک سو میزان قابلیت اطمینان و اعتماد به صحت مطالب بالا رفته و از سوی دیگر، ارزش یافته‌ها بیش از پیش معلوم می‌شود. در این بخش، مطالب تفسیری در ادامه همان مفاهیمی که قبلاً یادداشت شده‌اند، با ذکر مأخذ دقیق آن‌ها اضافه می‌شوند؛ مثلاً در موضوع پژوهش حاضر، به تفاسیر متعددی مانند *المیزان*، *روح المعانی* و مانند آن‌ها مراجعه شده است، ولی در میان تفاسیر گوناگون، *المیزان* به جهت جایگاه و اعتبار علمی‌اش، محور توجه بیشتری بوده است.

۳-۳. کدگذاری، انتزاعی‌سازی و سازمان‌دهی مفاهیم

روش تحلیل محتوای کیفی به وسیله چندین مرحله کدگذاری بر روی مفاهیم و انتزاعی‌سازی چندمرحله‌ای سعی می‌کند که به پاسخ سؤالات پژوهش نزدیک شود. بنابراین این کدگذاری‌های انجام‌شده در هر مرحله از لحاظ میزان انتزاعی بودن با یکدیگر یکسان نمی‌باشند. در این گام تمامی مفاهیمی که به دست آمده بودند، با توجه به اجزای مدل توصیفی رفتار انسان در شاخص‌های مفهومی، و نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان کدگذاری شدند. بدین صورت که در ابتدا کدهایی که به مفاهیم صوری و ظاهری می‌پرداختند برجسب زده شدند و سپس کدهایی که به مفاهیم مرتبط با مدل توصیفی رفتار انسان می‌پرداختند، جای‌گذاری گشتند. در آخر نیز خود این

مفاهیم چندین بار دسته‌بندی و انتزاعی‌سازی شدند تا مدل‌های هفت‌گانه رفتار انسان به دست آمدند؛ برای نمونه، در موضوع پژوهشی حاضر و به منظور سازمان‌دهی مفاهیم به دست آمده، از ۲۷ نوع کد مختلف استفاده شده که این کدها در مجموع ۹۰۰ مرتبه بر روی ۶۶۶ عدد مفاهیم - به دست آمده از متن قرآن کریم - برجسب‌زنی شده‌اند. این کدها به صورت نشانه‌هایی تصویری تعریف شده‌اند و دلیل استفاده از نشانه‌های تصویری به منظور افزایش دقت و کیفیت کدگذاری بوده است. مشروح فرایند کدگذاری و انتزاعی‌سازی به این صورت بوده است:

در مرتبه اول مفاهیمی که مورد سؤال، شک بودند و یا ناصحیح بودن آن‌ها مشخص شده بود، کدگذاری و مشخص شدند. همچنین تمامی مفاهیمی که وجود ارتباط بین آیات مختلف یا سیاق‌های مختلف را بیان می‌کردند، کدگذاری شدند. این کدها به ظاهر ساختاری مفاهیم توجه دارند.

۱. کدهای استفاده‌شده در مرتبه اول: کدهایی مقدماتی که در اولین سطح از بررسی مفاهیم آیات، بر مفاهیم برجسب زده شده‌اند:

📖 = دیگر منابع: مفاهیمی که در آن‌ها از منابعی دیگر، علاوه بر برداشت مستقیم خود پژوهشگر استفاده شده است؛ شامل تفاسیر، مراجع لغت‌شناسی و مفردات، منابع ادبی و مانند آن‌ها. اصلی‌ترین منابع مورد استفاده در این تحقیق شامل کتاب *مفردات التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* نوشته حسن مصطفوی و کتاب *المیزان فی تفسیر القرآن* نوشته سیدمحمدحسین طباطبایی بوده است.

? = پرسش: مفاهیمی که به صورت سؤالی طرح شده‌اند. در این روش تأکید می‌شود که این سؤالات نیز یکی از مصادیق مفهوم‌یابی ثبت و گزارش شوند و حتی ارزش تحقیقی آن‌ها بیش از دیگر مفاهیم تحقیق بیان می‌شود. البته اکثر سؤالات طرح‌شده در هنگام بررسی آیات، به وسیله مفاهیمی دیگر پاسخشان یافته شده و این پاسخ‌ها به پرسش‌های مربوط ارجاع داده شده‌اند.

! = تردید: مفاهیمی که اعتبار آن‌ها نزد پژوهشگر مورد تردید بوده است.

🔒 = مردود: مفاهیمی که طبق دیگر بررسی‌های انجام‌شده در متن آیات، اعتبار خود را از دست داده و قابل قبول نمی‌باشند. تعداد این مفاهیم بسیار اندک هستند، ولی

در این روش، بر ثبت و گزارش مواردی این چنین (مردود، پرسش، تردید) تأکید می‌شود؛ زیرا چنین انعکاسی از مفاهیم در درون محقق نیز جزئی از فرایند تحقیق می‌باشد.

 = تکمیل: مفاهیمی که هنگام بررسی به نظر رسیده ظرفیت بیشتری برای پاسخ به سؤالات پژوهش دارد و باید در بررسی‌های بعدی مورد دقت و تکمیل قرار بگیرد.

 = ارتباط: این کد بیانگر وجود ارتباط معنادار بین دو یا چند مفهوم، دو یا چند آیه، و یا دو یا چند سوره مشخص است. این ارتباط در راستای سؤال پژوهش قابل اعتنا بوده و باید مورد دقت قرار بگیرد.

در مرتبه دوم، تمامی مفاهیمی که از لحاظ محتوایی مرتبط با موضوع پژوهش، یعنی مدل‌های توصیفی رفتار انسان بودند، کدگذاری شدند. برخی از این کدها مربوط به اجزای مدل توصیفی رفتار انسان بودند (مانند کدهایی که شرایط و حالات انسان را نشان می‌دادند و یا کدهایی که رفتار انسان را بیان می‌کردند)؛ و برخی از این کدها مربوط به کلیت مدل‌های توصیفی رفتار انسان بودند (مانند کدهایی که نشانگر نگاه تحلیلی قرآن کریم به رفتار انسان بودند، همچنین کدهایی که به وجود مفهوم مدل‌های توصیفی رفتار انسان در قرآن کریم اشاره می‌کنند).

۲. کدهای استفاده شده در مرتبه دوم:

 = شرایط و حالات انسان در مدل رفتاری: در توضیح مدل‌های رفتاری بیان شد که انسان‌ها به علت برخی شرایط محیطی و یا حالات درونی‌شان رفتارهایی را انجام خواهند داد. این کد، مفاهیمی که این شرایط و حالات انسان را بیان می‌کنند، نشان می‌دهد.

 = عملکرد و رفتار انسان در مدل رفتاری: مفاهیمی که به بیان یک رفتار خاص و مشخص از انسان می‌پردازند.

 = مدل رفتاری درجه ۱: مفاهیمی که نکاتی بیان می‌کنند، نزدیکی بسیار زیادی با ساختار به مدل‌های رفتاری دارند. ساختار معیار مدل توصیفی رفتاری انسان، در نوع ایده‌آل آن بیان شده است. به عبارت دیگر، مفاهیمی که در عبارت‌پردازی خود مطابق با این ساختار باشند، به عنوان یک مدل رفتاری درجه ۱ کدگذاری شده‌اند.

 = مدل رفتاری درجه ۲: مفاهیمی که ساختار آن‌ها نزدیکی زیادی با ساختار نوع ایده‌آل دارد، ولی بایستی برخی خلأهای آن به وسیله نکات به دست آمده از مفاهیم

دیگر تکمیل شود.

 = تبیین مدل رفتاری: مفاهیمی که بر اساس آیات به تبیین و توضیح ابعاد یک یا چند مدل رفتاری انسان می‌پردازند.

 = مدل تجویزی: مفاهیمی که در قرآن کریم به ارائه تجویزها و سفارش‌های مشخص رفتاری برای نیل به پیامد خاص می‌پردازند. البته هدف این پژوهش یافتن مدل‌های توصیفی از رفتار انسان می‌باشد، اما در فرایند تحلیلی خود از مدل‌های تجویزی نیز استفاده می‌نماید.

 = رویکرد تحلیلی و سیستمی قرآن به رفتار انسان: مفاهیمی که به توضیح نگرش نظام‌مند و رویکرد تحلیلی قرآن کریم نسبت به رفتار انسان می‌پردازند.

 = نوع اول زوج رفتاری: در موارد متعددی مشاهده می‌شود که متن قرآن کریم، ساختار عبارت‌پردازی خاصی را در توضیح رفتار انسان ارائه می‌نماید. به این صورت که قرآن کریم دو گونه مختلف رفتار انسان را به صورت پشت سر هم ذکر می‌کند. زوج‌های رفتاری برای کدگذاری مفاهیم مرتبط با این نوع ساختار قرآن کریم می‌باشد و نوع اول زوج رفتاری، نشان‌دهنده مفاهیمی است که به گونه اول رفتار در زوج رفتاری اشاره می‌کنند.

 = نوع دوم زوج رفتاری: مفاهیمی که به گونه دوم رفتار انسان در ساختار زوج‌های رفتاری قرآن کریم اشاره می‌کنند.

 = مهم درجه ۱: مفاهیمی که در مقایسه با دیگر مفاهیم، موارد و نکات بارزتر و مهم‌تری را در توضیح و ابعاد مدل‌های رفتاری بیان می‌کنند.

 = مهم درجه ۲: مفاهیمی که در مقایسه با دیگر مفاهیم، موارد و نکات بارزتر و مهم‌تری را در توضیح و ابعاد مدل‌های رفتاری بیان می‌کنند. این مفاهیم به دلایل روشی در اولویت دوم اهمیت قرار دارند.

در مرتبه سوم، کدهایی که به هدف اصلی این پژوهش یعنی «معرفی مصادیق مدل‌های توصیفی رفتار انسان» می‌پردازند، برچسب‌زنی شدند.

۳. کدهای استفاده‌شده در مرتبه سوم: کدهایی که بیشترین سطح انتزاعی‌سازی را داشته و به اسلوب مدل‌های نهایی در توصیف رفتار انسان نزدیک شده‌اند. هر کدام از

این کدها به یک یا چند زمینه مشترک (تم) از مفاهیم رفتاری بین انسان‌ها اشاره دارند و به وسیله جمع‌بندی آن‌ها، هفت مدل توصیفی از رفتار انسان به دست آمدند.

😊 = مطلوبیت، نامطلوب: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به مطلوب‌ها و نامطلوب‌های او می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل دو ساحتی مطلوبیت - نامطلوب استفاده شده‌اند.

\$ = سودجویی، منفعت، نعمت، بهره‌مندی: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به سودجویی، منفعت، نعمت و بهره‌مندی می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل دو ساحتی مطلوبیت - نامطلوب استفاده شده‌اند.

🚗 = اموال، منابع: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به اموال و منابع می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل وابستگی به منابع استفاده شده‌اند.

❤️ = وابستگی، نیاز، حساسیت: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به وابستگی، نیاز، حساسیت می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل وابستگی به منابع استفاده شده‌اند.

⌚ = عجله: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به عجله می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل تصمیم‌گیری ضد عقلایی استفاده شده‌اند.

🏰 = عینیت: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به عینیت می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل عینی‌پذیری استفاده شده‌اند.

☁️ = ابهام، تغییر، مخاطره (ریسک)، آینده: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به ابهام، تغییر، مخاطره و آینده‌اش می‌پردازند. مفاهیم انتزاع‌شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل ابهام‌گزینی استفاده شده‌اند.

🔍 = پیش‌تدبیری، تفحص، محاسبه: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به پیش‌تدبیری، تفحص، محاسبه‌اش می‌پردازند. مفاهیم

انتزاع شده ذیل این کد عمدتاً در مدل ابهام‌گریزی استفاده شده‌اند.

۱ = اختیار، آزادی: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به اختیار و آزادی‌اش می‌پردازند. مفاهیم انتزاع شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل فرمان‌پذیری استفاده شده‌اند.

۲ = مسئولیت: مفاهیم مربوط به مدل‌های رفتاری انسان که به رویکرد انسان نسبت به مسئولیت می‌پردازند. مفاهیم انتزاع شده ذیل این کد عمدتاً در تدوین مدل پذیرش مسئولیت استفاده شده‌اند.

در مرتبه چهارم، مفاهیمی که در مرتبه قبل برچسب خورده بودند، مجدداً دسته‌بندی و انتزاعی سازی شده و در نهایت هفت مدل توصیفی از رفتار انسان بر اساس مفاهیم برداشت شده از آیات جمع‌بندی و به صورت گزارش نهایی ارائه گردیدند.

نمونه‌ای از چگونگی انجام تجزیه و تحلیل مستند مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن در جدول ۴ منعکس شده است. در این جدول نمونه‌ای از برگه‌های یادداشت و نحوه تجزیه، سازمان‌دهی مفاهیم، ارجاعات متقابل بین مفاهیم، سطوح مختلف کدگذاری و انتزاعی سازی نشان داده شده است:

<p>ردیف ۳۶ لَا يُسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُوسِّسْ قَنُوطٌ ۴۹- فصلت- ۴۱ (۴۵-۵۴)</p>
<p>۱.  سأم دو مفهوم همزمان آزردهگی (ملالت) و رنجوری (تضیجر) را دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰/۵).</p>
<p>۲.  سیری‌ناپذیری و شدت مطلوبیت‌طلبی: انسان همیشه نسبت به طلب خیر (مطلوبیت) انگیزه دارد. او هیچ وقت در طلب خیر (مطلوبیت)، دلزده، دل‌آزرده و بی‌انگیزه نمی‌شود. این شدت و سیری‌ناپذیری انسان را در مطلوبیت‌طلبی می‌رساند. (لَا يُسْأَلُ) (مرتبط با ۱۰-۳۶) (مطلوبیت‌طلبی انسان - وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ: ۷-۲)</p>
<p>۳.  اگر انسان احساس کند که نامطلوب به او رسیده (وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ) دیگر انتظار دریافت خیری را ندارد و بی‌توقع می‌شود (يُوسِّسْ) و اصلاً ناامید می‌شود. (قَنُوطٌ) (مرتبط با نکته ۱۰-۳۶: وجود ارتباط با مدل ردیف قبل که البته در همین رکوع و سیاق است) (مفهوم مرتبط در مدل رفتاری ۷-۲۵) (مرتبط با ۱۵-۳۶: حساسیت به نامطلوب)</p>

<p>۴.  یأس یعنی انتظار نداشتن مثلاً در قرآن می‌گوید: وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نُسَائِكُمْ (زنانی که دیگر انتظار حیض شدن ندارند) (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸/۱۴). یکی از نکات جالب یأس ناظر به آینده بودن آن است. یعنی دیگر در آینده نکته مثبتی را نمی‌بینند.</p>
<p>۵.  قنط یعنی نومید شدن (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۶۱/۹)</p>
<p>۶.     انتساب یا تملک تمامی مطلوبیت: انسان تمایل دارد که مطلوبیت‌هایش را تمام و کمال به دست آورد (لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ) و این میل در هنگام سود پس از ضرر قلبی تشدید می‌شود. اگر انسان پس از آنکه ضرری کرد، سودی کند، آن مطلوبیتی را که احساس می‌کند، به حساب خودش می‌گذارد و به خودش منتسب می‌کند. (آیه ۵۰-۵۱) وَلَئِنْ أَذَقْتَاهُ رِجْمَةً مِمَّا مِنْ بَعْدِ صَرَءَ مَسْنَهُ يُقُولَنَّ هَذَا لِي (مؤید ۷-۳۶) (تکمیل در ۱۹-۳۶: انتساب یا مالکیت استقلال طلبانه) (استفاده از تعریف انتساب در ۲۰-۳۶) (ارتباط با مدل طغیان در ۴-۴) (ارتباط با ۱۴-۵۱: مراقبت از کاهش منابع) (رفتار مقابل در ۴-۳۶: عدم پذیرش انتساب ضررها به خود) (ارتباط با رفتار کافران در انتساب مطلوبیت‌ها به خود در ۷-۳۶) (تأیید در ۳-۳۷: انتساب به وسیله علم) (مطابق و تأیید در ۱-۳۸: انتساب به خود)</p>
<p>آیه بعد</p>
<p>۷.  یکی از انواع کفری که ممکن است انسان مرتکب شود «بی‌توجهی و طرد» این واقعیت است که رحمت‌هایی را که به انسان وارد می‌شود، به حساب خود بگذارد و نه به حساب خدای خود. {سه شاهد آیه بر این نکته: ۱- در این آیه می‌گوید: به انسان پس از ضرر، ما رحمت چشانندیم (أَذَقْتَاهُ مِمَّا رَحِمَةً) ولی انسان آن را به خود منتسب می‌کند (يُقُولَنَّ هَذَا لِي) ۲- انسان به حالتی احتمالی می‌گوید: اگر فرضاً هم پیش خدا بازگشتم او هم به خاطر کارهایی که من پاداش جداگانه‌ای می‌دهد (وَلَئِنْ رَجَعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَ اللَّهِ سِنًى) ۳- این‌ها کافر شده‌اند و ما در قیامت اصل عمل خودشان را به آن‌ها نشان می‌دهیم و می‌چشانیم (فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ)} (تأیید در ۶-۳۶) (استفاده در ۱۱-۳۶ و ۱۲ در بیان ارتباط انتساب با کفر و اعراض) (ارتباط با انتساب یا تملک تمامی مطلوبیت: ۶-۳۶) (مکمل رفتار کافران در مقابل در ۴-۳۶: عدم پذیرش انتساب ضررها به خود) (سؤال مرتبط در ۱۸-۳۶: انتساب نعمت به خدا؟) (استفاده در ۲۱-۳۶: در معنای کفر) (۷-۱۷: جمع‌بندی مفهوم کفر)</p>
<p>۸.   در ردیف ۳۵، آیه می‌گفت: اگر به انسان شری برسد، درخواست و توجه قابل توجهی می‌کند. ولی در ردیف ۳۶ می‌گوید: اگر به انسان شری برسد، دیگر توقع دفع شر ندارد و کلاً قطع امید می‌کند. کسی که دیگر انتظار دفع شر ندارد و ناامید است، چگونه از دیگران درخواست می‌کند؟ (پاسخ در ۹-۳۶)</p>

جدول ۴: نمونه بررسی‌های مستندسازی‌شده بر اساس گام‌های روش

جدول ۴ که به ارائه نمونه‌ای مستند شده از انجام گام‌های ذکر شده در بالا می‌پردازد، نشان می‌دهد که در بالای برگه، شماره ردیف و آیه اصلی آن ردیف مشخص شده است. همچنین در جلوی آیه اصلی به ترتیب شماره آیه اصلی، نام سوره، شماره سوره نوشته شده و سپس در داخل پرانتز، دامنه آیات سیاق (یعنی آیات فرعی حول آیه اصلی که این روش مورد توجه قرار داده) نوشته شده است؛ مثلاً در ابتدای برگه مربوط به ردیف ۳۶ به این صورت نوشته شده است: ردیف ۳۶: ﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُوسُ قَنُوطٌ﴾؛ ۴۹-فصلت-۴۱ (۵۴-۴۵). یعنی در ردیف سی و ششم این تحقیق، آیه اصلی مورد بررسی ﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُوسُ قَنُوطٌ﴾ می‌باشد که آیه ۴۹ سوره فصلت بوده و خود سوره فصلت، سوره چهل و یکم قرآن کریم است؛ و عبارت (۵۴-۴۵) نیز بیان می‌کند که آیه اصلی تحقیق در دامنه آیات ۴۵ تا ۵۴ مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

همچنین در جدول ۴ مشاهده می‌شود که در ذیل هر ردیف، مفاهیم به دست آمده از آیات به صورت شماره گذاری و کدگذاری شده یادداشت شده‌اند. نحوه آدرس دهی به مفاهیم ارائه شده ذیل ردیف‌ها به این صورت است که ابتدا شماره ردیفی که مفهوم در آن قرار دارد و سپس شماره آن مفهوم ذکر می‌شود؛ مثلاً کد ۱۰-۳۶ آدرس مفهومی است که در ردیف ۳۶ و در شماره ۱۰ قرار گرفته است. کارکرد این کدهای شناسایی، تسهیل آدرس دهی در هنگامی است که مفاهیم به دست آمده در داخل پرانتز به یکدیگر ارجاع متقابل داده شده‌اند (به شکل توجه کنید). همان طور که مشاهده می‌شود، در فرایند مفهومی‌یابی هیچ مفهومی حتی پرسش‌ها، تردیدها و مفاهیمی که نادرستی آن‌ها بعداً معلوم شده، حذف نشده‌اند و فقط با کدهای مخصوص خود برچسب زنی شده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود که مفاهیم به دست آمده در این موضوع پژوهشی به یکدیگر ارجاع متقابل داده شده‌اند و بدین ترتیب کل مفاهیم با یکدیگر مرتبط و یکپارچه گشته‌اند.

۴-۳. بررسی قابلیت اطمینان پژوهش

یافته‌های پژوهش بایستی اطمینان‌بخش باشند. اطمینان هر مطالعه تحقیقاتی با توجه

به چگونگی فرایندها و روش‌های به کار برده شده در آن ارزیابی می‌شود. بر خلاف تحقیق‌های کمی، تحقیق‌های کیفی آزمون‌های ویژه‌ای برای تأیید اعتبار ندارند. به جای آن‌ها، در تحلیل محتوای کیفی از «قابلیت اطمینان»^۱ استفاده می‌شود که شرایطی عمومی دارد (Zhang & Wildemuth, 2009). در نگاهی تطبیقی به الزامات قابلیت اطمینان علمی روش تحلیل محتوای کیفی و گام‌های روش تحقیق محتوای کیفی در متن قرآن، قابلیت اطمینان به وسیله اقدامات زیر قابل تأمین است: انجام پژوهش‌های مقدماتی در قرآن کریم در یافتن کلیدواژه‌های ورود به تحقیق، انجام پژوهش‌های مقدماتی در شناخت علمی کافی و دقیق موضوع تحقیق، وجود تعداد قابل قبول آیات انتخاب و بررسی شده، دقت‌های لغت‌شناختی و ادبی در تحلیل متن قرآن، انطباق و مستندسازی نکات به دست آمده از متن با منابع مختلف و معتبر تفسیری، ارائه نتایج تحقیق و اخذ نظرات تعداد زیادی از کارشناسان مرتبط، دقت در انتخاب واحدهای معنای تحلیل بر اساس رکوعات قرآنی (سیاق آیات)، افزایش دقت تحلیل متن قرآن کریم با استفاده از نرم‌افزارهای مربوطه و در نهایت اجرای کامل مراحل روش تحقیق.

نتیجه‌گیری

این نوشتار به ارائه روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن می‌پردازد که با آن می‌توان به طور تخصصی به بررسی یک موضوع در متن قرآن کریم پرداخت. این روش علاوه بر تجویزی^۲ و گام‌به‌گام بودن، با الزامات رایج در روش‌های تحقیق علمی متناسب‌سازی شده است. در این روش ابتدا به تهیه کلیدواژه‌های ورود به متن قرآن کریم و بررسی آن‌ها، فهرست آیات اصلی و فرعی مورد بررسی، آمار و ارقام اولیه برای تجزیه و تحلیل آیات پرداخته می‌شود. سپس به متن قرآن کریم رجوع شده و بر اساس قواعد مشخص، مفاهیم به دست آمده مستند شده و سپس یکپارچه و در نهایت جمع‌بندی می‌گردند. مفاهیم به دست آمده از آیات، گزاره‌ها و عبارتهایی هستند که متناسب با موضوع پژوهشی (در این نوشتار «شناسایی مدل‌های توصیفی رفتار انسان»)

1. Trustworthiness.
2. Prescriptive.

از متن قرآن کریم استخراج شده‌اند. این مفاهیم ذیل تک‌تک «ردیف‌های تحقیق»^۱ مستند و سازمان‌دهی گشته و سپس در چندین مرحله، کدگذاری و طبقه‌بندی می‌شوند. اعتبار علمی این روش مبتنی بر معیارهای بیان‌شده در «قابلیت اطمینان پژوهش» قابل ارزیابی و اثبات است.



۱. مجموعه آیات در کنار هم که با یکدیگر سیاق واحد معنایی داشته و دامنه این آیات در مباحث علوم قرآنی مشخص شده‌اند (ر.ک: تدارک فهرست آیات اصلی و فرعی).

کتاب‌شناسی

۱. ایمان، محمدتقی، *ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
۲. بیچرانلو حسن، عبدالله، *تبیین مفهوم عدالت زبانی با رویکرد قرآنی به منظور طراحی خط مشی‌گذاری سیمای جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، ۱۳۹۰ ش.
۳. دانایی‌فرد، حسن، «روش‌شناسی نظریه‌پردازی در مطالعات سازمان و مدیریت: پژوهشی تطبیقی»، *مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های مدیریت ایران*، شماره ۶۴، ۱۳۸۸ ش.
۴. رایبیز، استفان بی.، *مدیریت رفتار سازمانی: رفتار فردی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۴ ش.
۵. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش.
6. Chandan, J., *Organizational Behaviour*, 3rd ed., Delhi, Vikas Publishing House Pvt. Ltd., 2005.
7. Elo, S. & H. Kyngäs, "The qualitative content analysis process", *J Adv Nurs*, 62(1), 107-115. doi:10. 1111/j. 1365-2648. 2007. 04569. x, 2008.
8. Graneheim, U. & B. Lundman, "Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness", *Nurse Education Today*, 24 (2), 105-112. doi:10. 1016/j. nedt. 2003. 10. 001, 2004.
9. Griffin, R. W. & G. Moorhead, *Organizational behavior*, Boston, Houghton Mifflin Co., 1986.
10. Hersey, P. & K. H. Blanchard, *Management of organizational behavior: Utilizing Human Resources*, 3rd ed., Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall, Inc., 1977.
11. Nadler, D. & M. Tushman, "A model for diagnosing organizational behavior", *Organizational Dynamics*, 9(2), 35-51. doi:10. 1016/0090-2616 (80) 90039-x, 1980.
12. Robbins, S. & T. Judge, *Organizational behavior*, 15th ed., Boston, Pearson, 2013.
13. Zhang, Y. & B. M. Wildemuth, "Qualitative analysis of content", in: B. Wildemuth (ed.), *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science*, pp. 308-319, Westport, CT, Libraries Unlimited, 2009.